

تحریم نفتی ایران و اقتصاد سیاسی اتحادیه اروپا

احمد ساعی*

شمسی کاظمی^۲

ابوالقاسم طاهری^۳

مسعود مطلبی^۴

چکیده

۱۵۱ قبل و حتی بعد از توافقنامه برجام، اتحادیه اروپا به تبعیت از ایالات متحده آمریکا در تلاش اجتناب ورزیدن از «جنگ گرم» بسوی جنگ اقتصادی روی آورده و تحریم‌های شدید مالی و اقتصادی و از جمله تحریم نفتی علیه ایران را به همراه آمریکا و بسیاری دیگر کشورها اعمال کرده است. هدف تحقیق توصیفی - تحلیلی حاضر که مبتنی بر منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و نیز فرا تحلیل آثار موجود است تبیین و شناخت آثار تحریم نفتی جمهوری اسلامی ایران توسط اتحادیه اروپا و تأثیرات این تحریم‌ها بر اقتصاد سیاسی این اتحادیه است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اولاً اقتصاد سیاسی به عنوان قدرتمندترین مقوله و مکانیزم تجزیه و تحلیل دیپلماسی اتحادیه اروپا بشمار می‌آید. ثانیاً سیاست‌های هماهنگ اتحادیه اروپا با آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران و تلاش این اتحادیه در اتخاذ تحریم‌های یکجانبه آن برضد ایران، بخصوص تحریم خرید نفت ایران چندان کارا نبوده است. سوم اینکه هزینه‌های تحمیل شده بر ایالات متحده و اتحادیه اروپا وسیع بوده و همچنان رو به گسترش است و دیگر اینکه ایالات متحده و اتحادیه اروپا در خلال سیاست تحریم‌ها، زمینه ساز بیشتر نفوذ شرق و بخصوص چین در بازار ایران شدند. به بیان دیگر، غرب خود را علیه نفوذ خود در ایران تحریم کرد و موجب شد دو طرف تحریم کننده و تحریم شونده در فرایند اجرای تحریم متضرر شوند.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، تحریم نفتی، اتحادیه اروپا، کاهش سطح مناسبات اقتصادی و تجاری

۱ و ۳. به ترتیب دانشیار، استاده، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* saie@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای تخصصی پژوهش محور علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی سی ام، صص ۱۷۶-۱۵۱



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

چهارم، شماره

پیاپی سی ام

زمستان ۱۳۹۷

۱. مقدمه

اقتصاد جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس تا کنون با انواع تحریم‌های بین‌المللی مواجه شده است. تحریم اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است. در سال‌های اخیر موج جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران به دلیل برنامه هسته‌ای آن به وجود آمده است. کشورهای غربی و به‌خصوص اتحادیه اروپا البته با محوریت آمریکا با غیر شفاف خواندن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آن را به برنامه‌ای جهت دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای متهم کرده‌اند اتهامی که ایران همواره آن را رد کرده است. در همین راستا طی سال‌های اخیر تحریم‌هایی علیه برنامه هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد وضع شد که بخشی از این تحریم‌ها صنعت نفت و نیز مبادلات بانکی ایران را محدود یا به طور کلی قطع می‌کند. صنعت نفت نقشی محوری در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران داشته به طوری که هم اکنون بخش مهمی از درآمدهای دولت به آن و فرآورده‌های حاصل از آن وابسته است.

پس از تصویب تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی در اتحادیه اروپا، این اتحادیه از ورود نفت ایران به کشورهای اروپایی جلوگیری به عمل آورد (Korteweg, 2013: 12). اگرچه بر اثر تحریم‌ها درآمدهای نفتی ایران به شدت کاهش یافت و بر اقشار مختلف مردم ایران فشار زیادی وارد آمد، اما این تحریم‌ها برای اتحادیه اروپا نیز هزینه‌های بالایی به دنبال داشت و باعث کمبود انرژی در درون این اتحادیه گردید. فی الواقع اگرچه اتحادیه اروپا، ایالات متحده را در اعمال تحریم‌ها بر علیه ایران همراهی نمود اما باید به این عنایت نمود که تحریم‌های اعمالی بر جمهوری اسلامی به نوعی بر جوامع اروپایی و اقتصاد کشورهای حوزه اتحادیه اروپا تأثیر گذاری مستقیم داشته است.

این تحقیق بر آن است تا ضمن تبیین جایگاه تحریم در نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل، تأثیرات تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی ایران بر اقتصاد سیاسی اتحادیه اروپا و نیز تأثیرات سیاست اقتصادی اتحادیه اروپا در اجرای تحریم‌ها علیه ایران بر عملکرد اقتصادی رقبای این اتحادیه در بازار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را از

یکسو و سیاست اقتصادی اتحادیه اروپا در اجرای تحریم‌ها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از سوی دیگر در قبل و پس از برجام بررسی نماید.

۲. ادبیات نظری تحقیق

۲-۱. تبیین مفهومی تحریم

در فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی لغت «سنکشن» معادل «تحریم، اجازه دادن، مجازات» معنی شده است (نوروزی قبادیانی، ۱۳۷۹: ۲۶۰). تحریم به معنای وسیع، انواع گوناگونی از اقدامات را در برمی گیرد، از جمله تعلیق روابط سیاسی، ایجاد وقفه در ارتباطات از راه محدود ساختن یا قطع کردن بخشی از امور تجاری و مالی یا تمامی آن، و برخورد نظامی (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۵: ۱۳۲). دولت تحریم کننده را دولت آغازگر و دولت تحریم شونده را دولت هدف می‌نامند (لی چین، ۱۳۷۶: ۹۱) تحریم در روابط بین دولت‌ها به سه صورت است: تحریم یک جانبه که در آن دولت آغازگر از اقدامات تنبیهی به مثابه ابزار سیاست خارجی خود علیه دولت هدف بهره می‌گیرد، تحریم چند جانبه که گروهی از دولت‌ها در آن مشارکت دارند، و تحریم بین‌المللی که در آن جامعه بین‌المللی شامل بیشتر کشورهای جهان، علیه دولتی که هنجارها و اصول حقوق بین‌الملل را نقض کرده است مجازات‌های مشخصی اعمال می‌کنند. هدف از تحریم بین‌المللی، تنبیه دولت خاطی و واداشتن آن به مراعات هنجارها است (ظریف و میرزایی ینگچه، ۱۳۷۶: ۹۳).

در اقتصاد سیاسی تحریم به عنوان راهبردی مؤثر در جنگ اقتصادی و راهبردی قهرآمیز به منظور زمینه سازی برای ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور تحریم شونده و ابزار «دیپلماسی بازدارنده» و مقدمه ای برای جنگ به کار گرفته می‌شود (زهرانی، ۱۳۷۶: ۱۷). هافبوئر، اسکات و الیوت «تحریم اقتصادی را به معنی توقف عمدی یا تهدید به توقف روابط معمول تجاری یا مالی از سوی یک دولت می‌دانند» (بهروزی فر، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

علاوه بر تحریم‌های اقتصادی، نوع دیگری از تحریم وجود دارد که تحت عنوان تحریم‌های غیر اقتصادی می‌توان از آن نام برد. این تحریم‌ها معمولاً قبل از تحریم‌های اقتصادی آغاز می‌شوند و هدف آن‌ها ترغیب کشور هدف به تغییر سیاست مورد نظر است و با توجه به نوع کشور و شرایط موضوع متفاوت است و می‌تواند موارد زیر را در برگیرد:

۱. خودداری از اعطای ویزا؛
۲. لغو ملاقات‌های چند جانبه؛
۳. کاهش سطح نمایندگی سیاسی؛
۴. مخالفت با میزبانی کشور هدف برای اجلاس‌های بین‌المللی؛
۵. جلوگیری از عضویت کشورهای هدف در سازمان‌های بین‌المللی؛
۶. خودداری از کمک‌های مالی و مساعدت‌های رسمی (مخصوصاً در مورد کشورهای فقیر اعمال می‌شود).
۷. قطع ارتباطات تلفنی، رادیویی، حمل و نقل هوایی و دریایی... (روحانی، ۱۳۸۱: ۳۴).

تحریم اقتصادی، مشخصاً به دو گونه تجاری و مالی تقسیم می‌شود: تحریم تجاری معمولاً گزینشی است و یک یا چند کالا را در برمی‌گیرد، اما تحریم مالی شامل قطع کمک‌های رسمی و دولتی است و در شدیدترین مرحله، به مسدود نمودن دارایی‌های دولت هدف منجر می‌شود؛ در نتیجه، این تحریم روند مناسبات مالی را متوقف و از انجام گرفتن فعالیت‌های تجاری دولت هدف، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، ممانعت می‌کند. به این ترتیب، تحریم مالی، به‌ویژه در موارد تأمین مالی طرح‌های بنیادی توسعه، شرایط دشوارتر و هزینه‌های بیشتری را بر کشور هدف تحمیل می‌کند (هوفباور و الیوت، ۱۳۷۶: ۱۸۱).

۲-۲. رفتار تحریمی اتحادیه اروپا از منظر نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل

۲-۲-۱. رفتار تحریمی از منظر نواقح‌گرایی

بحث تحریم همواره، در رابطه میان ایران و غرب سنگینی کرده است و از سال ۲۰۰۲ میلادی به این سو و با بحران هسته‌ای ایران، تحریم‌ها و مجازات‌ها به چالشی اساسی

میان ایران و غرب تبدیل شده بود (بالازاده، اشرفی و بارانی، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۰).
نواقع گرایان برای تحلیل این گونه برخوردهای غرب و کنش ایران در ارائه مدل‌هایی
تلاش کرده‌اند. نو واقع‌گرایی با تأکید بر مسأله سیستم، بهترین روش تحلیل فرایند از
منظر قدرت است. فرایندهای قدرت در ارتباط با مفاهیمی همچون امنیت، قدرت نسبی،
ساختار، بقاء و غیره... تعریف می‌گردد. رهیافتی که هر دولت در نظام بین الملل را تحت
تأثیر کنش ساختارهای متعارض نظام بین الملل به تصویر می‌کشد. این نظریه بر فرایند
شکل‌گیری معمای امنیت تمرکز دارد. از جهت اینکه نو واقع‌گرایی ساختار بین الملل را
آنارشیک مفروض می‌دارد، به دلیل همین امر و پیش فرض نبود دولت هژمونیک که
امنیت جهان را تأمین کند، دولت‌ها مجبور هستند جهت بقای خود از اصل خود یاری
بهره جویند. نو واقع‌گرایی به این مسأله که افزایش قدرت یک دولت به کاهش قدرت
دولت دیگر می‌انجامد اذعان دارد؛ از این نظر معمای امنیت در یک فضای آنارشیک
هرج و مرج گونه است که به صحنه می‌آید (Resende, Santos, 2007: 56).

بر پایه آموزه‌های این رویکرد، تضاد و کشمکش عنصر اصلی روابط و مناسبات میان
دولت‌هاست. این امر نشأت گرفته از ساختار آنارشیک نظام بین الملل است. در
ساختاری که قدرتی فراتر از سایر دولت‌ها وجود ندارد که از اقدامات تهاجمی سایر
دولت‌ها ممانعت به عمل آورد دولت‌ها بر اساس اصل خود یاری مسئول تأمین امنیت
خودشان هستند؛ در چنین نظامی، دولت‌ها همواره نگران اقدامات و نیت تهاجمی سایر
بازیگران می‌باشند و هر گونه تلاش جهت تأمین امنیت، از سوی دیگری تهدید قلمداد
شده و این امر از ذات آنارشیک نظام نشأت می‌گیرد (Rittberger, 2001: 39).

مرشایمر، معتقد است که سه دلیل سبب هراس دولت‌ها نسبت به یکدیگر شده
است: فقدان قدرت مرکزی، توانایی و ظرفیت نظامی - تهاجمی دولت‌ها و این واقعیت
که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از نیت هم آگاه باشند؛ گرچه کنت والتز و سپس واقع
گرایان تهاجمی، تغییراتی را در اهداف و ابزارهای این نظریه ایجاد کردند، اما بافت
اصلی آن بر اساس آموزه‌های واقع‌گرایی کلاسیک استوار است. از نظر رئالیست‌ها
جنگ و شر، همواره ناشی از میل برای افزایش قدرت و سلطه نشأت گرفته است.
رئالیست‌ها این نظریات را در چهارچوب سیاست بین الملل وارد کرده و معتقدند که

دولت‌ها نیز همواره در پی کسب قدرت‌اند. یکی از ویژگی‌های بارز دولت‌ها، تولید گسترش و حفظ قدرت است. توسعه قدرت، ترس بر می‌انگیزد و باعث آشوب در یک محیط آنارشیک می‌گردد. این معضل، نوعی خیلاً امنیتی برای دولت‌ها ایجاد می‌نماید، بدین سان معمای امنیت به صحنه روابط بین‌الملل می‌آید (Auten, 2008: 30).

متفکران نو واقع‌گرایی (چه تدافعی و چه تهاجمی) معتقدند که مبارزه برای قدرت، اولین گام برای پا نهادن در عرصه ای است که هر یک از کشورها درصددند قوی‌ترین بازیگر نظام بین‌الملل باشند؛ بدین جهت مترصد افزایش قدرت در برابر دیگر رقبای هستند. چهار فرض: وجود آنارشی در سیستم بین‌الملل، عدم اطمینان دولت‌ها از مقاصد یکدیگر، تلاش برای حفظ بقا و توانایی تهاجمی، جملگی توجیه رفتارهای رقابت آمیز در راستای کسب قدرت دولت‌ها می‌باشد؛ نتیجه اینکه سیستم مزبور، دولت‌ها را تشویق می‌کند تا مترصد فرصت‌هایی باشند تا قدرت خود را در برابر دیگران به حداکثر برسانند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۴۵).

نگاه متفکرین این تئوری، این است که دولت‌ها در چهارچوب آنارشی اقدام به رفتار می‌نمایند؛ بدین جهت بازی با حاصل جمع صفر بیان می‌دارد که قدرت یابی یک دولت به معنای کاهش یافتن قدرت دولتی دیگر است. متعاقباً افزایش امنیت یک دولت به کاهش امنیت دولت دیگر منجر می‌گردد. طبق این نظریه، رقابت زمانی پایان می‌یابد که یک دولت به مرتبهٔ قدرت هژمونیک دست یابد (نصری، ۱۳۸۹: ۲۳۸-۲۱۶).

قدرت متوسطی همچون ایران هم، طبق تئوری نو واقع‌گرایی همواره با معمای امنیت مواجه بوده است. پرسش فرعی چنین می‌تواند باشد: چگونه ایران در مواجهه با ساختار قدرت نظام بین‌الملل شکاف‌های امنیتی خود را بهبود می‌بخشد؟ مواردی چون امنیت نسبی، ایدئولوژی و تقابل ساختاری بررسی خواهد شد تا تأثیرگذاری آن بر دیگر موضوعات سیاست خارجی از جمله پرونده هسته‌ای بررسی گردد.

اگر از منظر نو واقع‌گرایی به موضوع نظر افکنده گردد مشاهده می‌شود، ایران با معمای امنیت در منطقه خاورمیانه مواجه است؛ چرا که ایران همانند هر دولت دیگری به دنبال به حداکثر رساندن قدرت خود در منطقه ژئوپولیتیکی خویش است. مسأله دیگر، به تضاد بنیادین قدرت هژمونیک نظام بین‌الملل (ایالات متحده) با قدرت‌های بزرگ

منطقه‌ای از جمله ایران که در تئوری تک قطبی، چند قطبی استغفان والت به آن پرداخته شده است. در نظریه تک قطب - چند قطبی توصیفی استغفان والت به تحلیل رویدادهای پس از فروپاشی شوروی و دست برتر و قدرت یافتن یکی از ابر قدرت‌ها و تبدیل شدن به قدرت هژمونیک می‌پردازد. مفهوم رقابت تک - چند قطب، این را بیان می‌دارد که قدرت هژمونیک (ایالات متحده) با قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران (خاورمیانه)، روسیه (اوراسیا-اروپا)، چین (شرق آسیا)، برزیل (آمریکای جنوبی) برای توسعه نفوذ در رقابت سخت بسر می‌برد.

اصلی‌ترین عامل در افزایش تحریم در سال‌های اخیر بحث انرژی هسته‌ای ایران و نگرانی غرب در رابطه با منع گسترش تسلیحات بوده است. از دید نواقح‌گرایی در این باره عنوان می‌شود: موقعیتی وجود دارد که در آن‌ها نواقح‌گرایی قائل به واکنشی شدیدتر در قبال نقض منع گسترش است. نقض منع گسترش توسط دشمن با واکنشی شدیدتر از نقض آن توسط متحدان مواجه خواهد شد (Drezner, 1999:73). اگر کشورهای بزرگ به رفتارهای خصمانه روی آورند، در مقایسه با کشورهای کوچک سریع‌تر به عنوان تهدید درک می‌شوند. اما کشورهای بسیار کوچک نیز ممکن است به دلیل دخالت در فعالیت‌های تروریستی یا توان اتمی، تهدید تلقی شوند. به این ترتیب جدا از اندازه، اهداف و توانایی‌های یک کشور در مقابل قدرت نظامی یا اقتصادی، توازن ایجاد خواهد کرد.

در زمره‌عنوان یکی از نواقح‌گرایان عنوان می‌کند که انتظار کشورها برای درگیری در آینده و هزینه‌های احتمالی که ممکن است در صورت ایجاد بن‌بست بردازند، دلایل اصلی برای اعمال و موفقیت تحریم هستند. وی از نوعی پارادوکس تحریم صحبت می‌کند که در آن اگر وضع بر همین شکل بماند، کشور-های اعمال‌ننده تحریم برای اعمال زور بر کشورهای دشمن آماده‌اند؛ اما تمایلی به اعمال آن علیه کشورهای متحد ندارند (Drezner, 1994:41). پارادوکس در اینجا است که تحریم‌ها غالباً در مقابل کشورهای متحد موفق‌تر از کشورهای دشمن است. زیرا به دلیل منفعت نسبی که در این میان مطرح است، متحدان آسان‌تر از دشمنان تسلیم می‌شوند. از سوی دیگر، کشور

دشمن احساس می‌کند که در صورت تسلیم نه تنها جایگاه خود را در مذاکرات از دست خواهد داد؛ بلکه مستقیماً دستاورد نسبی کشور اعمال‌کننده را افزایش داده و به این ترتیب به افزایش اهرم‌های آن کشور در مجادلات آینده کمک خواهد کرد. به همین دلیل دشمنان به سادگی به درخواست‌های تحریم تن نمی‌دهند (ولی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۸۱).

از نظر نو واقع‌گرایان، تنها در شرایطی بسیار محدود مشوق‌ها به کشورهای دشمن ارائه می‌شوند. به این ترتیب درخواست‌ها غیرقابل مذاکره شده، مشوق‌ها برای کشور هدف بسیار جذاب شده و در مقابل برای کشور ارائه‌دهنده تقریباً هیچ هزینه‌ای در بر ندارد (Drezner, 1999:52). منع گسترش و حقوق بشر از همین درخواست‌های غیرقابل مذاکره است و معیار عمومی در این باره معمولاً به عنوان توهینی مستقیم تلقی شده و کشور هدف، معتقد است که تسلیم شدن به بی‌ثباتی در کشور منجر خواهد شد.

بحث دیگر نواقعی‌گرایی در مورد هزینه‌های مالی و اقتصادی ناشی از تحریم از منظر غرب است. هرچه میزان هزینه‌های مورد انتظار (فوری یا در آینده) کمتر باشد، احتمال بررسی تحریم به عنوان یک گزینه مطلوب بیشتر می‌شود. هرچه هزینه بیشتر باشد، احتمال اعمال تحریم کمتر می‌شود. در مطالعات پیشین این نتیجه حاصل شده است؛ زمانی که منفعت آمریکا تهدید می‌شود، هزینه‌های اقتصادی مانع از اعمال تحریم توسط این کشور نشده است (Ellings, 1985:40). نواقعی‌گرایان در رابطه با منع گسترش و تحریم این گونه می‌گویند:

۱. هرچه کشور ناقض از نظر راهبردی اهمیت بیشتری داشته باشد، احتمال تحریم آن کمتر خواهد شد و اقدامات احتمالی نیز سبک‌تر خواهد بود و هرچه آن کشور از نظر راهبردی با اهمیت‌تر باشد تحریم بیشتر خواهد شد؛

۲. هرچه کشور ناقض قواعد و ساختار بین‌الملل، تهدید مهم‌تری برای قدرت‌های بزرگ به‌ویژه اتحادیه اروپا با آمریکا باشد، احتمال تحریم آن در صورت بی‌توجهی به منع گسترش بالاتر خواهد رفت؛

۳. دشمنان احتمالاً شدیدتر از متحدان تحریم خواهند شد. احتمال ارائه مشوق متحدان بیشتر از دشمنان است؛

۴. به دلیل منفعت اقتصادی و ارزان بودن هزینه اعمال تحریم برای جلوگیری از گسترش نافرمانی در قیاس با جنگ؛

۵. هرچه یک کشور از نظر تجاری، بازار، مالکیت نفت یا انرژی هسته‌ای و یا مجاورت جغرافیایی اهمیتی بیشتر داشته باشد، بدون توجه به نقض احتمالی منع گسترش احتمال اقدامات منفی کمتر خواهد شد (ولی زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۵).

در ارتباط میان نواقح گرای و تحریم ایران از سوی غرب شایان توجه آنکه نواقح گرایان پیگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران و حمایت از گروه‌های اسلامی همانند حزب‌الله لبنان، به دنبال تهدید منافع ملی کشورهای غربی از جمله اسرائیل و منافع آمریکا و اروپا در منطقه خاورمیانه و سایر مناطق را تهدید می‌دانند. در واقع، آنچه برای نواقح گرایان همیشه اهمیت داشته است، دغدغه امنیت است. نواقح گرایان با تحریم‌های مختلف در مجاب کردن ایران برای دست کشیدن از فعالیت‌های خود که منافع غرب را تهدید می‌کند تلاش کرده‌اند. از آنجاکه ایران به عنوان یک کشور دوست تلقی نمی‌شود و مبادلات تجاری زیادی با آمریکا ندارد در نتیجه به راحتی به این تحریم‌ها تن نداده و به مقابله با آن پرداخته است. به دلیل همین پایین بودن سطح مبادلات تجاری و اقتصادی ایران با غرب به ویژه آمریکا، اتحادیه اروپا و اسرائیل است که این کشورها در اعمال حداکثری تحریم‌ها تلاش دارند؛ زیرا هیچ‌گونه آسیبی از نظر قطع رابطه اقتصادی بدان‌ها نمی‌رسد؛ زیرا رابطه زیادی ندارند (بالازاده، اشرفی و بارانی، ۱۳۹۴: ۷۳).

از آن سو، چین و روسیه به دلیل داشتن منافع بیشتر نسبت به غرب در ایران در ایجاد توازن در این تحریم‌ها و جلوگیری از جنگ تلاش دارند. پس از دید نواقح گرایان تا زمانی که دغدغه امنیت بر طرف نشود و حجمی از مبادلات تجاری و اقتصادی که ضامنی برای جلوگیری از تنش باشد ایجاد نشود، دامنه تحریم و وادارسازی ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر کشور ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه و همچنین نظام دینی مردم سالار حاکم بر آن چون برای غرب اهمیت دارد و همچنین خطری بزرگ محسوب می‌شود؛ لذا تحریم و واکنش شدیدی توسط آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال ایران شکل گرفته است.

۲-۲. رفتار تحریمی از منظر نهادگرایی نولیبرال

نهادگرایی نولیبرال را به نام‌های نهادگرایی یا «واقع‌گرایی ساختاری تغییر یافته» نیز معرفی می‌کنند که درباره منطق‌گرایی ابزاری در رفتار کشورها و ساختار مادی‌گرا در مبنای روابط بین کشورها، فرضیه‌هایی مشابه نواقع‌گرایی مطرح می‌کند. نهادگرایان نولیبرال مطالعه خود را روی موضوعات اقتصاد سیاسی، محیط زیست، حقوق بشر و سیاست‌های نازل متمرکز می‌کنند. نهادگرایی نولیبرال در ساده‌ترین شکل بر نقش نهادها در سطح بین‌الملل تأکید دارد و بر همان فرضیه عامل یک‌پارچه تأکید دارد. نهادگرایی نولیبرال بر نقش نهادهای بین‌المللی در بحث تحریم ایران اشاره دارد. نهادگرایی نولیبرال عنوان می‌کند که برای تأثیرگذاری بیشتر تحریم‌ها برای مجاب‌ساختن ایران باید تحریم‌ها در چارچوب نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت قرار گیرد. همکاری هزینه را کاهش می‌دهد و ریسک‌ها را تقسیم می‌کند. در شرایطی که اعمال‌کننده اصلی می‌پذیرد هزینه بیشتر را در برابر اعمال تحریم ایران پردازد؛ بنابراین این مسأله به افزایش اعتبار آمریکا و تشویق دیگر کشورها به پیروی از مسیر آمریکا، منجر می‌شود.

در نهادگرایی نولیبرال فرض بر آن است که اتحادیه اروپا و آمریکا در هر زمان ممکن به دنبال تحریم‌های چندجانبه بوده و از تحریم‌های سازمان ملل فراتر نروند مگر در زمانی که چنین اقدامی هیچ هزینه‌ای برای آن‌ها در پی نداشته باشد. چندجانبه‌گرایی مسئله‌ای مهم در زمینه تحریم است، زیرا گفته می‌شود تأثیر تحریم را افزایش خواهد داد. هرچه تعداد متحدان تجاری که در یک تحریم شرکت می‌کنند افزایش یابد، اعتبار تهدید علیه کشور هدف افزایش خواهد یافت (Martin, 1992).

اصلی‌ترین فرض‌های نهادگرایی نولیبرال در مورد تحریم:

۱. لیبرال دموکراسی، شرکای تجاری مهم‌تر خود را نیز تقریباً باشدتی یکسان تحریم می‌کنند زیرا آب‌های تجارت دوجانبه به دنبال اتحاد ملل هستند؛
۲. لیبرال دموکراسی‌ها درباره اعمال تحریم‌های سازمان ملل علیه شدیدترین ناقضان منع گسترش، ساده‌تر به توافق بین‌المللی می‌رسند. تحریم‌های سازمان ملل در برابر این کشورها شدیدتر خواهد بود؛

۳. بر اساس این فرضیه‌های نهادگرایی انتظار می‌رود که اتحادیه اروپا و آمریکا در هر زمان ممکن به دنبال تحریم‌های چندجانبه باشند و از تحریم‌های سازمان ملل فراتر نروند مگر در زمانی که چنین اقدامی هیچ هزینه‌ای برای آن‌ها در پی نداشته باشد؛

۴. هرچه روابط بین‌الملل از راه توافقات رسمی نهادینه‌تر شود، احتمال اعمال تحریم کمتر می‌شود؛ زیرا چنین اقدامی به معنی نقض توافقنامه خواهد بود؛

۵. نولیبرالیسم معتقد است که اعمال و سطح تحریم‌ها رابطه‌ای معکوس با اهمیت اقتصادی و راهبردی کشور هدف خواهد داشت. همچنین احتمال تنبیه دشمنان در مقایسه متحدها بیشتر و احتمال تشویق آن‌ها کمتر است (Hazelzet, 2001:30).

در مورد ایران شایان توجه اینکه براساس پیش‌فرض نولیبرال‌ها همانند نواقح‌گرایان، هر چه منفعت اقتصادی و مبادله تجاری با کشور هدف بیشتر باشد، احتمال تحریم آن کشور کمتر و هرچه مبادلات تجاری کمتر باشد احتمال تحریم بیشتر می‌شود. براساس همین فرضیات نولیبرال‌ها، هرچه این تحریم‌ها از راه سازمان‌های بین‌المللی اعمال شود، احتمال تأثیر آن بیشتر خواهد شد. از آنجاکه اتحادیه اروپا در مقایسه با آمریکا روابط تجاری بیشتری با ایران دارد، مشاهده می‌شود که دیرتر گام به تحریم ایران می‌گذارد و در مقایسه با آمریکا تحریم‌های ملایم‌تری را اجرا می‌کند و چنانچه تحریم‌ها به صورت کامل لغو شود زودتر لغو تحریم‌ها به اجرا گذاشته می‌شود (بالازاده، اشرفی و بارانی، ۱۳۹۴: ۷۴). با توجه به نمودار زیر می‌توان با توجه به پیش‌فرض‌های نولیبرال‌ها، علت رفتار دوگانه اتحادیه اروپا و آمریکا را در قبال تحریم ایران دریافت.

جدول شماره ۱: سود و زیان اقتصادی کشورها در تحریم ایران

شدت تحریم کشورها	تحریم محدود و موقت	تحریم نفتی	تحریم فراگیر و نامحدود
جمهوری اسلامی ایران	-	-	-
ایالات متحده	+	+	+
اتحادیه اروپا	+	-	-

(یزدان فام، ۱۳۸۵: ۸۰۴)

در نولیبرالیسم و نهادگرایی نولیبرال عنوان می‌شود، برای آنکه بتوان در جهت‌گیری‌های کشوری که ساختار نظام بین‌الملل را به‌چالش می‌کشد تغییر ایجاد کرد، با توجه به سازمان‌های بین‌المللی و تقسیم هزینه‌های مجازات می‌توان برای مجازات این کشور خطاکننده بهتر و زودتر به نتیجه رسید. در نولیبرالیسم عنوان می‌شود، هرچه یک کشور از نظر اقتصادی رابطه بیشتری با دیگر قدرت‌های اقتصادی داشته باشد، تحریم آن سخت‌تر و هرچه رابطه کمتری داشته باشد و از نظر اقتصادی ضعیف‌تر، وابسته‌تر به یک یا چند محصول باشد، مجازات آن راحت‌تر خواهد بود. همچنین عنوان می‌شود که هرچه مبادلات تجاری بیشتر باشد، امکان تحریم یک‌جانبه خیلی کمتر خواهد شد و هرچه مبادلات تجاری کمتر باشد، امکان تحریم‌های یک‌جانبه نیز بیشتر و بیشتر خواهد شد (ولی زاده، ۱۳۸۵: ۲۸۶).

در بحث رفتاری اتحادیه اروپا در رابطه با تحریم ایران رگه‌های نواقعی‌گرایی و نهادگرایی نولیبرال را دیده می‌شود. از دید قدرت، این اتحادیه و آمریکا خواستار گفت‌وگو و گذاشتن پیش‌شرط در مذاکراتشان با ایران هستند و یا آنکه دغدغه‌های امنیتی دارند و همواره به دلایل منافع امنیتی خود به دنبال اعمال مجازات علیه ایران هستند که نوعی جلوه و کاربرد نواقعی‌گرایی است. آنجایی که همواره به دنبال کشاندن موضوع به شورای امنیت و مجازات حداکثری ایران و تقسیم‌کردن هزینه این مجازات‌ها، با سایر کشورها برای نتیجه‌دادن فشارها بر ایران هستند، جا پای نولیبرالیسم و نهادگرایی نولیبرال مشاهده می‌شود.

۳. تحریم نفتی ایران

تحریم نفت ایران اقدامی است که اول بار از سوی بریتانیا و در پاسخ به ملی شدن صنعت نفت ایران به سال ۱۳۲۹ شمسی صورت گرفت. پس از آن در سال ۲۰۱۲ برخی از کشورهای جهان به رهبری ایالات متحده به منظور جلوگیری یا محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران تحریم نفتی جدیدی بر علیه ایران اعمال کردند. کشورهای تحریم‌کننده هدف خود از این تحریم‌ها را محروم کردن این کشور از درآمدهای نفتی و وادار کردن آن به همکاری با جامعه جهانی برای بر طرف کردن اتهامات درباره برنامه احتمالی

هسته‌ای نظامی می‌دانند. این تحریم‌ها با ابزارهایی مستقیمی، همچون تحریم خرید یا خریداران، و نامستقیمی، همچون تحریم بیمه‌ای کشتی‌های نفتکش یا تحریم بانکی، اعمال و با هدف انصراف خریداران نفت این کشور و رو کردن آن‌ها به دیگر عرضه‌کنندگان این کالا انجام می‌شوند.

با وجود گذشت بیش از ۱۰۰ سال از ایجاد صنعت نفت در کشور و بیش از ۵۰ سال از ملی شدن آن، این صنعت همچنان یکی از مهم‌ترین صنایع کشور از دیدگاه اقتصادی و سیاسی، محسوب می‌شود زیرا صنعت نفت تأمین‌کننده اصلی درآمدهای ارزی کشور است به گونه‌ای که تا پیش از تشدید تحریم‌های غرب در سال‌های اخیر، بیش از ۸۰ درصد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کشور توسط درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز تأمین می‌شد. بر همین اساس این صنعت از همان سال‌های ملی شدن صنعت نفت تاکنون همواره آماج تحریم‌های دشمنان این کشور قرار داشته است.

به صورت کلی، تحریم‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران توسط کشورهای غربی بخصوص آمریکا از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون و بخصوص در سال‌های اخیر را می‌توان به چهار دسته زیر تقسیم کرد:

الف) تحریم سرمایه‌گذاری در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران و تأمین مالی آن: کلیه سرمایه‌گذاری‌ها و تأمین مالی توسط شرکت‌های آمریکایی در صنایع نفت و گاز ایران و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و کشورهای ثالث در صنایع نفت و گاز ایران.

ب) تحریم خرید و فروش نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی ایران: واردات نفت خام توسط شرکت‌های آمریکایی از ایران، واردات نفت خام توسط شرکت‌ها و کشورهای ثالث از ایران و واردات محصولات تصفیه شده از مواد خام نفتی ایران.

ج) تحریم صادرات تجهیزات و فناوری به ایران: صادرات فناوری و تجهیزات مربوط به صنایع پتروشیمی، نفت و گاز ایران، همکاری برای تولید محصول پالایشی بنزین در ایران شامل فروش یا تأمین کالا، خدمات، فناوری، اطلاعات یا سایر حمایت‌ها در آن راستا.

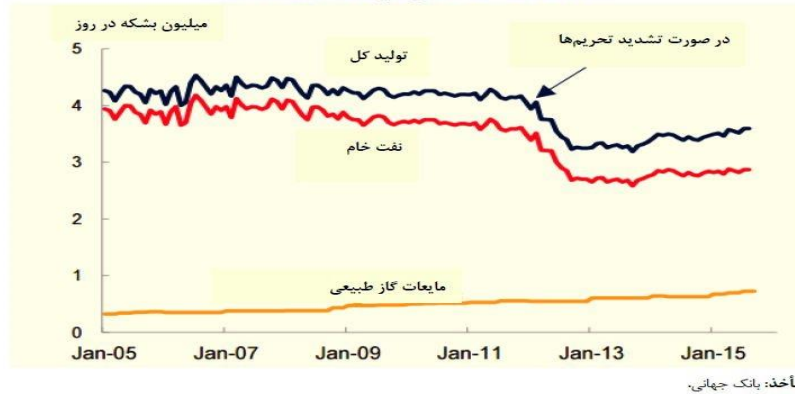
د) تحریم صادرات فرآورده‌های پالایشی و بنزین به ایران: صادرات بنزین و فرآورده‌های پالایشی نفتی به ایران.

این تحریم‌ها، دارای درجات مختلف نیز می‌باشند. به عنوان نمونه، آمریکا در ابتدا سرمایه‌گذاری بیش از یک میلیون دلار شرکت‌های آمریکایی در صنایع انرژی ایران را مشمول تحریم اعمال کرد. سپس شرکت‌های غیرآمریکایی را نیز مشمول تحریم‌های خود قرار داد. در مرحله بعد، سقف این سرمایه‌گذاری را کاهش داد و نهایتاً با حذف سقف سرمایه‌گذاری، هر گونه تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران را ممنوع کرد.

تحریم نفت ایران اقدامی است که از سوی برخی از کشورهای جهان به رهبری ایالات متحده به منظور جلوگیری یا محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران صورت گرفته. کشورهای تحریم‌کننده هدف خود از این تحریم‌ها را محروم کردن این کشور از درآمدهای نفتی و وادار کردن آن به همکاری با جامعه جهانی برای برطرف کردن ابهامات درباره برنامه احتمالی هسته‌ای نظامی ایران می‌دانند (رویترز، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲). این تحریم‌ها با ابزارهایی مستقیمی، همچون تحریم خرید و یا خریداران، و نامستقیمی، همچون تحریم بیمه‌ای کشتی‌های نفتکش و یا تحریم بانکی، اعمال و با هدف انصراف خریداران نفت این کشور و رو کردن آن‌ها به دیگر عرضه‌کنندگان این کالا انجام می‌شوند.

در پی این تحریم‌ها و کم شدن خرید نفت از ایران به دلیل تلاش کشورهای خریدار برای جایگزین کردن نفت این کشور با نفت دیگر تولیدکننده‌ها، صادرات نفت ایران در ۲۰۱۲ به زیر ۲ میلیون بشکه در روز رسید (رویترز، ۲۳ مارس ۲۰۱۲).

نمودار ۱. تولید نفت ایران طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۵



۴. اتحادیه اروپا و تحریم نفت ایران

در حالیکه تا قبل از سال ۲۰۱۰ اروپایی‌ها و سایر کشورها تمایل چندانی به همراهی با آمریکا در تحریم ایران نداشتند، اما آمریکا به مرور توانست با بکارگیری ابزارهای مختلف متحدان خود و بسیاری کشورهای دیگر را مجاب کند تا در راستای فشار اقتصادی بر ایران با

این کشور همکاری کنند. هم اکنون، بسیاری از متحدان آمریکا شامل برخی همسایگان ایران،

به رهبری آمریکا برای فشار بر ایران تشکیل ائتلافی غیررسمی تحت عنوان کشورهای همفکر داده‌اند. به نظر می‌رسد در مسأله تحریم ایران، تأثیرپذیری از فشار یا امتیازات آمریکا و تضعیف ایران در منطقه از دلایل پیوستن کشورها به آمریکا و متحدان آن‌ها بوده است.

ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت، این نهاد تاکنون قطعنامه‌های متعددی علیه ایران تصویب کرده است که عبارت‌اند از قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹. این قننامه‌ها بر اساس فصل ۷ منشور صادر شده و تحریم‌های اقتصادی مختلفی به طور هوشمند علیه افراد و نهادهایی که در ارتباط با برنامه هسته ای ایران می‌باشند، اعمال نموده است (Burdeau 2001: 267).

آمریکا و انگلیس تلاش بسیاری نمودند تا بتوانند تحریم‌های گسترده دیگری علیه نهادهای تجاری ایران به خصوص در حوزه نفت و گاز در شورای امنیت به تصویب برسانند، اما چون برخی از کشورهای عضو دائم شورای امنیت از قبیل چین مراودات تجاری بسیاری با ایران در حوزه انرژی دارد، با اعمال این نوع از تحریم مخالفت نمودند. از این رو این کشورها تصمیم گرفتند تا با فشار بر اتحادیه اروپا، این سازمان بین‌المللی را مجبور نمایند، تا علیه ایران تحریم انرژی و به خصوص تحریم خرید نفت اعمال نماید. اتحادیه اروپا تحریم خرید نفت از ایران را در راستای اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت عنوان نموده و به مقدمه این قطعنامه، به عنوان مبنای اقدام تحریم خود استناد کرده است (Dupont,2012:18)

مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ بیان می‌دارد که: «میان درآمدهای مالی به دست آمده از بخش انرژی ایران با فعالیت‌های هسته ای این کشور ارتباط بالقوه وجود دارد» (Un,S,Res1929,2010:3). از این رو این اتحادیه بیان نمود که چون ایران تاکنون به تعهدات هسته ای خود عمل نکرده و بر طبق مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹، میان درآمدهای نفتی این کشور و فعالیت‌های هسته ای ارتباط بالقوه وجود دارد، ایران بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، متحمل مسئولیت بین‌المللی می‌باشد، لذا بایستی علیه این کشور اقدام متقابل انجام داد. از این رو این اتحادیه خرید نفت از ایران را به عنوان یک اقدام متقابل مورد تحریم قرار داد (Dupont,2012:18,21).

بر این اساس اتحادیه اروپا در نشست بروکسل، طی تصمیم شورا به شماره CFSP/35/ 2012، تحریم خرید نفت از ایران را تصویب کرد. موارد زیر بخشی از مصوبات این تحریم بودند: ممنوعیت واردات، خرید یا انتقال نفت خام، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی ایران؛ لغو و فسخ از قراردادهای موجود نفتی کشورهای این اتحادیه با ایران؛ تحریم حمل نفت ایران به هر کشور دیگری توسط نفت کش‌های کشورهای عضو؛ تحریم ارائه هر گونه خدمات مالی شامل بیمه برای حمل نفت ایران از سوی کشورهای عضو؛ بلوکه کردن کلیه حساب‌های بانک مرکزی ایران در اروپا و ممنوعیت مراوده مالی با آن؛ ممنوعیت صادرات تجهیزات و فناوری و ممنوعیت سرمایه

گذاری و اعطای وام برای صنایع نفت و گاز به ایران؛ کنترل کلیه نقل و انتقالات پولی از سطح اتحادیه اروپا به ایران؛ کنترل سختگیرانه تر فعالیت شبکه تجاری شبکه کشتیرانی ایران.

در تاریخ ۲۳ ژانویه، اتحادیه اروپا تصمیم به تحریم نفت ایران گرفت. بدین صورت که با پایان یافتن قراردادهای سالانه شرکت‌های نفتی اروپایی با ایران، اقدام به تمدید این قراردادها نخواهند کرد. و تا پایان ژوئن ۲۰۱۲ حجم واردات نفت خام اروپا از ایران به صفر خواهد رسید (لس آنجلس تایمز، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲).

۱۶۷

پالایشگاه‌های یونان به دلیل ناتوانی در پرداخت پول، خرید نفت ایران را پیش از به پایان رسیدن مهلت مقرر از سوی اتحادیه اروپا قطع کردند (رویترز، ۳ آوریل ۲۰۱۲). واردات نفت یونان از ایران نیز در ماه آوریل ۲۰۱۲ به کلی قطع شد (بی‌بی‌سی پارسی، ۶ آوریل ۲۰۱۲).

بنا بر گزارش کمیته ذخایر راهبردی هیدروکربنی (CORES)، اسپانیا در خرید نفت خود از ایران در دوره زمانی دسامبر ۲۰۱۱ تا ژانویه ۲۰۱۲ کاهش ۳۱ درصدی اعمال کرده و در عوض خرید از عراق و نیجریه را افزایش داده است (رویترز، ۹ آوریل ۲۰۱۲). اندکی پس از انتشار این گزارش، وزارت خارجه این کشور اعلام کرد که خرید نفت ایران را از پایان ماه فوریه به کل قطع کرده است (رادپو فردا، ۹ آوریل ۲۰۱۲).

۱-۴. تحریم صنعت پتروشیمی ایران

همچنین شورای اتحادیه اروپا در ۴ فروردین ۱۳۹۱ (۲۳ مارس ۲۰۱۲) برابر با مقررات ۲۶۷/۲۰۱۲ تحریم‌های گسترده‌ای درباره صنعت پتروشیمی ایران اعمال کرد. براساس این مقررات، موارد زیر در ارتباط با این صنعت مورد تحریم قرار گرفت: فروش تجهیزات و تکنولوژی به ایران، سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی ایران، واردات و خرید محصولات پتروشیمی ایران توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا، حمل و نقل محصولات پتروشیمی و ارائه خدمات مالی مانند بیمه حمل و نقل و بیمه اتکایی.

۲-۴. تحریم شرکت‌های فنی و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت

جلوگیری از همکاری شرکت‌های نفتی با ایران و عدم سرمایه‌گذاری آن‌ها در طرح‌های صنعت نفت این کشور در کنار عوامل دیگری چون عمر بالای چاه‌ها و فرسودگی تجهیزات، باعث کاهش تدریجی تولید نفت ایران شده‌اند.

۳-۴. شرکت‌های بیمه و نفتکش

تحریم‌های اتحادیه اروپا بر شرکت‌های بیمه طرف قرارداد با ایران و نیز شرکت‌های کشتیرانی که نفت این کشور را جابجا می‌کنند سبب مشکلاتی در ترابری این کالا و شرکت‌های مرتبط با آن در ژاپن و چین شد (راديو فردا، ۵ اسفند ۱۳۹۰). اتحادیه اروپا با به تعویق انداختن سه‌ماهه تحریم شرکت‌های بیمه‌گر کشتی‌های نفتکش از مبداء ایران، آن را به یکم ژوئن سال جاری موکول کرد. تقریباً تمامی شرکت‌های بیمه‌گر نفتکش‌ها از قوانین اتحادیه اروپا پیروی می‌کنند (بلومبرگ، ۲۴ مارس ۲۰۱۲).

مجموعه بیمه «پی‌اند آی کلاب»، بزرگ‌ترین شرکت ارائه دهنده خدمات بیمه کشتی در چین، اعلام کرد که از ماه ژوئیه از ارائه خدمات به کشتی‌های حامل نفت جمهوری اسلامی خودداری خواهد کرد (رویترز، ۵ آوریل ۲۰۱۲).

۴-۴. شرکت ملی نفتکش

شرکت ملی نفتکش ایران سال ۲۰۱۲ در فهرست تحریم اتحادیه اروپا قرار گرفت اما ژوئیه ۲۰۱۴ دادگاه عمومی اروپا با شکایت ایران، رأی به لغو این تحریم‌ها داد. اتحادیه اروپا مجدداً در فوریه ۲۰۱۵ «شواهد تازه‌ای» علیه شرکت ملی نفتکش ارائه داد تا این شرکت را به فهرست تحریم‌ها برگرداند (بی‌بی‌سی فارسی، فوریه ۲۰۱۵). شرکت ملی نفتکش ایران برای جلوگیری از تحریم دوباره خود به مراجع قضایی انگلیس مراجعه کرد اما این مراجع به نفع تحریم دوباره این شرکت رأی دادند و اینچنین اتحادیه اروپا، شرکت ملی نفتکش ایران را دوباره در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.

۵. تاثیرات تحریم نفتی اتحادیه اروپا بر اقتصاد ایران

قریب به دو دهه می‌باشد که علاوه بر تلاش‌های چند جانبه بین‌المللی برای جلوگیری از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اتحادیه اروپا، تحریم‌های اقتصادی یک جانبه‌ای علیه این کشور در واکنش به عدم اطاعت مستمر از تعهدات هسته‌ای خود، اتخاذ نموده است. برخی از تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا به موازات قطعنامه‌های شورای امنیت و برخی دیگر نیز فراتر از این قطعنامه‌ها و به طور نامشروع صورت گرفته‌اند.

محدودیت‌ها و تحریم‌های اقتصادی که از سال‌های پیش آغاز شده بود در سال ۱۳۹۰ با سخت‌گیری‌های بیشتری دنبال شد به گونه‌ای که در اواخر این سال بانک مرکزی ایران توسط آمریکا تحریم شد و اتحادیه اروپا نیز در همین زمان دارایی‌های بانک مرکزی را ضبط کرده و سوئیفت نیز برای بانک‌های ایرانی مسدود شد. همچنین تمامی قراردادهای بین ایران و کشورهای اتحادیه اروپا در بخش نفت از سوی اروپا لغو شد. سال ۱۳۹۱ با تحریم واردات نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا آغاز شد و در ماه‌های پس از آن بخش مالی ایران تحریم‌های سخت‌تری را پیش روی خود دید. در این سال تولید ناخالص داخلی ایران با افت درخورملاحظه ۵ درصدی مواجه شد، افتی که در سال‌های پس از انقلاب کم‌نظیر بوده است. سال ۱۳۹۱ با افت ۳ درصدی متوسط روزانه قیمت سبد نفت اوپک و همچنین افت ۱۳ درصدی فلزات اساسی و ۹ درصدی محصولات پتروشیمی نیز همراه بود. در این سال متوسط صادرات نفت ایران با افتی نزدیک به ۱۰ درصد به ۱,۹ میلیون بشکه در روز رسید. در سال ۹۱ نرخ تورم در کل ۲۹ درصد، خدمات ۱۹ درصد و کالاهای مصرفی به ۳۸ درصد بالغ شد. نرخ دلار نیز با رشد قابل ملاحظه ۸۹ درصدی به بیش از ۳۵۰۰۰ ریال رسید (شمس‌آبادی، ۱۳۹۶؛ یانگز، ۱۳۹۴).

در سال ۱۳۹۲ نیز اقتصاد ایران از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نبود، هر چند به نحو محسوسی از روند منفی متغیرهای اقتصادی کاسته شد. در این سال که با افت ۳ درصدی متوسط قیمت سبد نفت اوپک، کاهش ۷ درصدی شاخص قیمت جهانی فلزات اساسی و محصولات پتروشیمی همراه بود، تولید ناخالص داخلی نیز کمتر از ۲ درصد افت داشت. متوسط روزانه صادرات نفت ایران در این سال با کاهشی ۱۱ درصدی به

۱,۷ میلیون بشکه تنزل یافت. نرخ تورم در پایان این سال در کل به ۳۲ درصد، خدمات ۲۴ درصد و کالاهای مصرفی ۳۹ درصد بالغ شد. نرخ دلار در بازار آزاد که تا خرداد ماه به حدود ۳۶۰۰۰ ریال رسیده بود با افتی ۱۵ درصدی به بیش از ۳۰,۰۰۰ ریال کاهش یافت. این سال که در ماه‌های ابتدایی با تحریم صنعت پتروشیمی ایران از سوی اتحادیه اروپا همراه بود، پس از تغییرات سیاسی داخلی و جدی‌تر شدن مذاکرات هسته‌ای به توافق اولیه با قدرت‌های جهانی که توافق ژنو نام گرفت، همراه شد. سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ برخلاف روند نزولی بازارهای جهانی با بهبود نسبی شرایط اقتصادی ایران همراه بود. این دو سال با رشد تولید ناخالص داخلی به ترتیب با نرخ ۲ و ۱ درصد همراه بود. سال ۱۳۹۳ با افت ۱۸ درصدی متوسط قیمت سبد نفت اوپک، کاهش ۱۴ درصدی قیمت محصولات پتروشیمی و نزول ۱۱ درصدی شاخص جهانی فلزات اساسی همراه بود. متوسط قیمت سبد نفت اوپک، شاخص قیمت جهانی فلزات اساسی و شاخص قیمت جهانی محصولات پتروشیمی نیز در سال ۱۳۹۴ به ترتیب با افت ۴۴، ۲۳ و ۲۸ درصدی همراه بود. بدین ترتیب متوسط قیمت سبد نفت اوپک که در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۱۱۱ دلار رسیده بود در سال ۱۳۹۴ با افتی نزدیک به ۶۰ درصد به ۴۵ دلار تنزل یافت. متوسط روزانه صادرات نفت ایران نیز در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به ترتیب با افت ۱۵ درصدی و رشد ۱۰ درصدی به حدود ۱,۴ و ۱,۶ میلیون بشکه رسید. نرخ دلار در سال ۱۳۹۳ با رشدی ۱۲ درصدی به کمتر از ۳۴۰۰۰ ریال رسید و با رسیدن به شرایطی پایدار در سال ۱۳۹۴ با رشدی ۲ درصدی به کمتر از ۳۵۰۰۰ ریال بالغ شد. سال ۱۳۹۴ با تحولات مهمی در عرصه دیپلماسی ایران همراه بود به گونه‌ای که در اواخر تیر ماه ایندر اواخر تیر ماه این سال برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بین ایران و گروه ۵+۱ به امضا رسید و در اواخر دی ماه اجرایی شد (شمس آبادی، ۱۳۹۶؛ یانگز، ۱۳۹۴).

سال ۱۳۹۵ با رشد مطلوب تولید ناخالص داخلی ایران همراه بود. این سال با افزایش اندک ۱,۵ درصدی متوسط قیمت سبد نفت اوپک و رشد ۸ درصدی شاخص قیمت جهانی فلزات اساسی و افزایش ۳ درصدی شاخص قیمت محصولات پتروشیمی همراه بود اما تا پایان آذر ماه رشد ۷,۲ درصدی تولید ناخالص داخلی را از آن خود کرد.

متوسط روزانه صادرات نفت ایران تا پایان شهریور ۹۵ با رشدی ۳۱ درصدی به بیش از ۲ میلیون بشکه رسید. متوسط قیمت سبد نفت اوپک در این سال با افزایشی کمتر از ۱ دلار به نزدیک ۴۶ دلار در هر بشکه بالغ شد. نرخ تورم نیز تا آذر ماه این سال به ۷ درصد تنزل یافت. نرخ دلار در این سال رشدی حدود ۸ درصد داشت و به بیش از ۳۷۰۰۰ ریال بالغ شد.

جدول (۴) شرح اقدامات بین المللی مندرج در نمودار (۱)

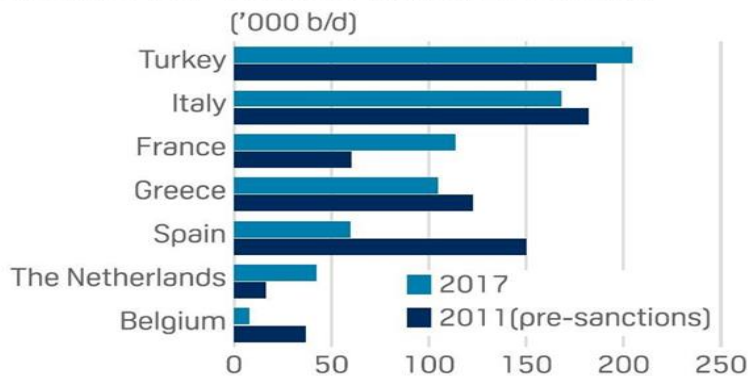
شماره	تاریخ	تحریم کننده	شرح اقدامات
۱	۱۳۹۰/۱۰/۱۱	آمریکا	تحریم بانک مرکزی ایران
۲	۱۳۹۰/۱۱/۰۳	اتحادیه اروپا	ممنوعیت انعقاد هرگونه قرارداد جدید از سوی کشورهای اتحادیه اروپا یا ایران در بخش نفت لغو کلیه قراردادهای جاری بین این و کشورهای اتحادیه اروپا در بخش نفت
۳	۱۳۹۰/۱۲/۲۷	اتحادیه اروپا	تعلیق دارایی‌های بانک مرکزی تحریم سوئیفت با هماهنگی آمریکا
۴	۱۳۹۱/۰۱/۲۴	اتحادیه اروپا	تحریم واردات نفت از ایران
۵	۱۳۹۱/۰۵/۱۰	آمریکا	تحریم ۵۰ شرکت و موسسه مالی ایران تحریم شرکت خطوط کشتیرانی ایران تحریم شرکت نفتکش ملی ایران
۶	۱۳۹۱/۰۷/۱۲	اتحادیه اروپا	ممنوعیت میادلات بین بانک‌های ایرانی در اروپا مسدود کردن تمامی اعتبارات بانکی کوتاهمدت به ایران ممنوعیت واردات گاز از ایران ممنوعیت صادرات بسیاری از فلزات به ایران
۷	۱۳۹۱/۱۱/۱۸	آمریکا	ممنوعیت پرداخت ارز به ایران بابت صادرات نفت
۸	۱۳۹۲/۰۳/۱۰	اتحادیه اروپا	تحریم صنعت پتروشیمی
۹	۱۳۹۲/۰۹/۰۳	-	توافق اولیه بین گروه‌های مذاکره‌کننده تحت عنوان توافق ژنو
۱۰	۱۳۹۴/۰۴/۲۳	-	توافق جامع و نهایی هسته‌ای در وین
۱۱	۱۳۹۴/۱۰/۲۶	-	اجرای شدن برجام

۶. تاثیرات تحریم نفتی ایران بر اقتصاد اتحادیه اروپا

در سال ۲۰۱۲، اروپایی‌ها حتی طبق قوانین تحریمی آمریکا می‌توانستند واردات نفت از ایران را ۲۰ درصد کاهش دهند (کاری که کشورهای نظیر کره جنوبی و هند انجام دادند)، با این حال اروپایی‌ها برای همراهی با دولت باراک اوباما، خود قوانین تحریمی شدیدی علیه ایران وضع کردند و واردات نفت ایران از ایران را به صفر رساندند. شکل

زیر مشتریان اروپایی نفت ایران را در دوره پیش از تحریم‌ها و در وضعیت فعلی نشان می‌دهد.

IRAN'S TOP EUROPEAN OIL BUYERS



Source: S&P Global Platts, EIA, Eurostat

شکل ۲- مشتریان اروپایی نفت خام ایران پیش از تحریم‌ها و در سال ۲۰۱۷

۱۷۲



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

چهارم، شماره

پیاپی سی ام

زمستان ۱۳۹۷

بزرگ‌ترین بازنده تحریم‌ها عملی، اتحادیه اروپا بود. در اروپا، اقتصاد آلمان سخت‌ترین آسیب را دید. این کشور بین ۲۳,۱ تا ۷۳ میلیارد دلار را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ از دست داد. اما در مقایسه با کشورهای ایتالیا و فرانسه که به ترتیب مقادیر ۱۳,۶-۴۲,۸ و ۱۰,۹-۳۴,۲ میلیارد دلار متضرر شدند، آلمان هزینه بالاتری برای این تحریم‌ها پرداخت. با نگاهی به مشکلات به وجود آمده در اقتصاد اتحادیه اروپا طی چند سال اخیر، واضح است که زیان‌های پیش آمده قابل توجه بوده است.

همچنین زیان برای مابقی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در حدود ۱۴۵ تا ۴۵۸ میلیون دلار برای یونان و ۴,۱ تا ۱۲,۹ میلیون دلار برای اسپانیا عنوان شده است. بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ هزینه‌های تحریم مؤثر بر درآمدهای تجاری در مورد اتحادیه اروپا حدود ۲ برابر این هزینه برای آمریکا بوده است. کانادا نیز از این تحریم‌ها در امان نماد و متحمل زیانی بین ۶۵۰ میلیون دلار تا ۲,۱ میلیارد دلار از بخش درآمدهای صادراتی شد. در مقیاس جهانی، هزینه‌های متوسط سالانه تحریم ۵۲,۸ میلیارد دلار

حاصل از درآمد صادرات به ایران از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۲ گزارش شده است (Blockmans, 2016; Factsheet, 2016).

در این شرایط مطابق نظر کارشناسان، تنها نوع نفتی که امکان جایگزینی نفت ایران را داشت نفت روسیه بود که در این صورت اتحادیه اروپا برای انعقاد قرارداد و تأمین نفت خود از این کشور باید نکات مختلفی را مدنظر قرار می‌داد. از سوی دیگر روسیه هم نمی‌توانست در طولانی مدت نفت مورد نیاز کشورهای این اتحادیه را تأمین نماید. نکته دیگر آنکه سابقه روسیه در برخورد با اتحادیه اروپا نشانگر آن بود که این اتحادیه نمی‌تواند برای شاهرگ حیاتی انرژی به روسیه اطمینان نماید و این کشور چون گذشته می‌تواند هر لحظه که تمایل داشته باشد صادرات نفت به اروپا را متوقف نماید. همچنین بحث قیمت خرید نفت از روسیه حائز اهمیت بود. گذشته از این‌ها، برخلاف تمایل آمریکا و اروپا، روسیه با صادرات نفت خود به اروپا از تاثیرگذاری بیشتری در معادلات بین‌المللی برخوردار شد و اروپا مجبور شد برای برآوردن نیاز انرژی خود بیش از پیش به روسیه متکی شود. گذشته از این‌ها، از دست دادن بازار بزرگ مصرفی ایران و تمایل ایران به جایگزینی چین و قدرت‌های نوظهوری همچون هند و روسیه در مراودات بازرگانی عرصه را برای رقبای اروپا در خاورمیانه تدارک و مهیا ساخت.

نتیجه‌گیری

از جمله اقداماتی که اتحادیه اروپا، به کرات در سیاست خارجی خود مورد استفاده قرار می‌دهد، تحریم‌های اقتصادی می‌باشند. اتحادیه اروپا از تحریم‌های اقتصادی به عنوان یک ابزار، جهت تغییر رفتار سیاسی کشورهای هدف بهره می‌گیرد.

شورای اتحادیه اروپا در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، در راستای تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گرفت تحریم‌های اقتصادی بیشتری در بخش انرژی از جمله تحریم واردات نفت خام از ایران در کشورهای عضو اتحادیه، در بخش مالی علیه بانک مرکزی ایران و هم‌چنین علیه اشخاص حقیقی و حقوقی وضع کند. در این میان تحریم واردات نفت خام از اهمیت بیشتری در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و بخصوص بر اقتصاد سیاسی این اتحادیه برخوردار است.

مروری بر تحولات پس از تحریم نفتی جمهوری اسلامی ایران توسط اتحادیه اروپا تا قبل از توافقنامه برجام و دنباله روی این اتحادیه از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در این زمینه، نتایج و یافته‌های ذیل را منعکس می‌نماید:

- برجسته سازی ناتوانی اتحادیه اروپا در سیاست‌های اقتصادی مستقل در اقتصاد سیاسی بین‌المللی؛

- برجسته سازی تبعیت اتحادیه اروپا از سیاست‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا؛

- فرصت سازی اقتصادی برای رقاباتی همچون روسیه، چین و هند در خاورمیانه و بخصوص ایران؛

- از دست دادن بازار ایران بعنوان یکی از بازارهای بزرگ سنتی در خاورمیانه؛

- نفوذ شرق و بخصوص چین و هند در بازار ایران؛

- تشویق ایرانی‌ها به سیاست نزدیکی به شرق. چنانکه مقامات ایرانی پس از تحریم‌های نفتی اتحادیه اروپا و افزایش ابهام‌ها در همکاری‌های اقتصادی با اروپا، در کشورهای شرق وزنه جدید سیاسی و اقتصادی همچون چین یافتند.

منابع:

بالازاده، زهره؛ اشرفی، امراه و بارانی، فرهاد. (۱۳۹۴). «بررسی واکنش ایران به چالش‌ها و تحریم‌های بین‌المللی از منظر سازه‌انگاران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۸، شماره ۳۲، زمستان، صص ۹۰-۶۷.

بهروزی فر، مرتضی. (۱۳۸۳). «اثر تحریم‌های یک جانبه بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی»، *فصلنامه-پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۳، زمستان، صص ۲۳۹-۱۹۵.

بیلز، جان و اسمیت، استیو. (۱۳۸۳). *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، جلد اول، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

روحانی، زهرا. (۱۳۸۱). *توسعه یافتگی جهان سوم و استثمار غرب*، قم: نشر پارسایان.

زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶)، «تحریم اقتصادی از نظر تا عمل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال یازدهم، شماره ۱، بهار، صص ۲۸-۱۷.

سخایی اردکانی، روح‌الله. (۱۳۸۹). *تحریم آمریکا علیه ایران*، چ ۱، تهران: آرون.
سیمبر، رضا؛ رحم دل، رضا و فلاح، مهسا. (۱۳۹۵). «معمای امنیتی پرونده هسته ای
ایران از منظر نو واقع‌گرایی»، *فصلنامه روابط بین‌الملل*، دوره ۹، شماره ۳۶، زمستان،
صص ۱۰۶-۸۷.

شمس آبادی، علی. (۱۳۹۶). «ایران و اتحادیه اروپا پس از توافق هسته ای؛ انگیزه‌ها و
موانع»، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره دوم، شماره ۱۷، اردیبهشت، صص ۳۲-۱۷.
ظریف، محمد جواد و میرزایی، سعید. (۱۳۷۶). «مباحث حقوق بین‌الملل: تحریم‌های
یک جانبه آمریکا علیه ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال یازدهم، شماره ۱،
بهار، صص ۱۰۸-۹۱.

نصری، قدیر. (۱۳۸۶). «روش شناخت در مکتب نئورئالیسم»، *فصلنامه مطالعات
راهبردی*، سال دهم، شماره ۳۶، تابستان، صص ۲۳۸-۲۱۵.
ولی زاده، اکبر. (۱۳۸۵). «تحریم منع گسترش در تئوری‌های روابط بین‌الملل»، *فصلنامه
سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان، صص
۲۷۷-۲۹۸.

هوفباور، گری و الیوت، کیمبرلی. (۱۳۷۶). *تحریم‌های بین‌المللی و سیاست خارجی*،
موقفیت مشروط، ترجمه شهرام پیشکاری، تهران: وزارت امور خارجه.
یانگز، ریچارد. (۱۳۹۴). *امنیت انرژی چالش جدید سیاست خارجی اروپا*، ترجمه
پرویز امام زاده فر، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
یزدان فام، محمود (۱۳۸۵). «تحریم‌های بین‌المللی و امنیت جمهوری اسلامی ایران»،
فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم، شماره ۳۴، زمستان، صص
۷۸۹-۸۲۱.

Auten, Brian J. (2008). **Carter's Conversion: The Hardening of American Defense Policy** (Frist Published). United States, Columbia: University of Missouri Press.

Blockmans. S (2016). **EU Iran Relations after Nuclear Deal**, CEPS.

Burdeau, G., (2001). "Les effets juridiques des résolutions du Conseil de sécurité sur les contrats privés" in **United Nations Sanctions and**

- International Law**, Gowlland Debbas (Ed), The Hague: Kluwer Law International.
- Drzner, Dniel (1999). **The Sanction Paradox, Economic Strat craft and International Relation**, Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Dupont, Pierre-Emmanuel (2012). " ountermeasures and Collective Security: The Case of the EU Sanctions against Iran", **Journal of Conflict and Security Law**, vol. 17.
- Elling Richard J (1985). **Embargoes and World Power: Lessons from America Foreign Policy**, Boulder, Colorado: Westview Press.
- Factsheet (2016). **The European Union and Iran**, Council of European Union.
- Hazelzet Hadewych (2001). **Carrots or Stics**, Florence: European University Institute.
- Korteweg, Rem (2013). **EU and Iran**, Center for European Reform.
- Resende-Santos, Joao. (2007). **Neorealism, States, and the Modern Mass Army**, New York: Cambridge University Press.
- Rittberger, Volker. (2001). **German Foreign Policy Since Unification: Theories and Case Studies**, Manchester: Manchester University Press.

۱۷۶



فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره هشتم، شماره
چهارم، شماره
پیاپی سی ام
زمستان ۱۳۹۷